

خبر

فربادهای مالباخته مانع فرار زن سارق شد

یک زن کیف‌قاپ با فربادهای مالباخته و کمک رهگذران به تله افتاد. چندی پیش ماموران انتظامی در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع سرقت و دستگیری سارق در یکی از خیابان‌های شمال شهر، برای بررسی موضوع رهسپار محل حادثه شدند. پس از رسیدن آنها به محل شاکي در اظهاراتش گفت: در ایستگاه اتوبوس مشغول صحبت با تلفن همراهم بودم که این زن-متهم دستگیرشده- کنارم نشست و پس از چند ثانیه کیفم را ربود و متواری شد اما با فربادهای من و کمک چند تن از رهگذران متوقف و دستگیر شد. ماموران پس از ثبت اظهارات شاکي و شاهدان، متهم ۳۰ ساله را برای سیر مراحل قانونی به مقر پلیس منتقل کردند. این زن که فرزانه نام دارد، در بازجویی‌ها با اعتراف به چند فقره سرقت گفت: در کنار ایستگاه‌های اتوبوس و مکان‌های مناسب کمین می‌کردم، پس از شناسایی افرادی که سرگرم صحبت بودند کیفشان را می‌ربودم و می‌گریختم. بنا بر این گزارش پرونده متهم اکنون در دادسرای ناحیه یک تهران در جریان است.

حبس ابد برای قاتل نوزاد ۱۵روزه

گروه حوادث: یک مرد ۳۲ساله انگلیسی به اتهام قتل نوزاد ۱۵ روزه خود به حبس ابد محکوم شد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتپرس، این مرد به نام «دارن نیوتن» ابتدا نوزاد ۱۵ روزه خود را به شدت به بالا و پایین پرتاب کرد و سپس به عمد باعث سقوط این نوزاد شد. همچنین در تلفن همراه کشف‌شده از این مرد جـوان تصاویر و فیلم‌هایی از صحنه خشونت و کشته‌شدن این نوزاد به دست آمد که علیه او در دادگاه عالی انگلستان به کار رفت. در گزارش بازرسان پلیس انگلیس آمده است این نوزاد لحظاتی پس از انتقال به بیمارستان به دلیل شدت جراحات وارده به جـمعمه و نخاع جان خود را از دست داد. «دارن نیوتن» علاوه بر قتل فرزندش متهم است دو کودک دیگر خود را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و آنان را تهدید به مرگ کرده است؛ چرا که این دو کودک سه و پنج‌ساله شاهد قتل خواهر ۱۵ روزه خود بودند. بر اساس رای دادگاه عالی انگلستان این پدر به اتهام ضرب و شتم و قتل درجه یک به حبس ابد و منع حضانت فرزندان خود محکوم شد.

کشف جسدی در قله سیاه‌کوه

مدیر روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان کرمان از کشف جسد مرد جوانی در ارتفاعات سیاه‌کوه خبر داد. نگارستانی در گفت‌وگو با ایسنا افزود: امدادگران جمعیت هلال‌احمر روز جمعه از طریق تماس ماموران نیروی انتظامی در جریان گرفتار شدن مردی جوان در ارتفاعات سیاه‌کوه شهر سیرجان قرار گرفتند. وی گفت: ماموران نیروی انتظامی نیز از طریق تماس شهروندی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از این واقعه مطلع شده بودند. مدیر روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان کرمان ادامه داد: امدادگران در ساعت ۱۱:۳۰ در محل حضور یافتند و پس از عزیمت به قله سیاه‌کوه در عملیاتی پنج‌ساعته به مرد گرفتارنده رسیدند و او را یافتند. به گفته نگارستانی پیش از رسیدن امدادگران این مرد جان خود را از دست داده بود. وی در پایان خاطرنشان کرد: جسد این مرد جوان پس از انتقال به دامنه کوه به ماموران نیروی انتظامی تحویل داده شد.

دستبرد زن و مرد جوان به ۲۰ آبارتمان

گروه حوادث: یک زن و مرد سارق بعد از دستگیری به ۲۰ فقره سرقت از آپارتمان‌های کرمانشاه اعتراف کردند. سرهنگ «سفندیار امیدی» رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه در این باره گفت:

در پی وقوع سرقت‌های متعدد از آپارتمان‌های سطح شهر کرمانشاه تحقیقات و چهرهنگاری‌های انجام‌دهنده نشان داد در تمام سرقت‌ها زنی جوان و لاغراندام نقش داشت. سرهنگ «امیدی» ادامه داد: حین انجام تحقیقات توسط ماموران آگاهی استان کرمانشاه مشخص شد زن و مردی توسط ماموران آگاهی یکی از استان‌های مجاور به اتهام سرقت دستگیر شده‌اند که مشخصات زن دستگیرشده با مشخصات زن سارق آپارتمان‌های کرمانشاه همخوانی دارد. وی ادامه داد: هنگام دستگیری متهمان، دو دسته‌چک که در یکی از سرقت‌های آپارتمان‌های کرمانشاه به سرقت رفته نیز کشف و ضبط شده است، که به همین دلیل متهمان برای تحقیقات تکمیلی با هماهنگی قضایی به آگاهی انتظامی استان کرمانشاه تحویل داده شدند. رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه اظهار داشت: متهمان که در تحقیقات اولیه متکرر هرگونه سرقت بودند در بازجویی‌های فنی و تخصصی لب به اعتراف گشودند و از ۲۰ فقره سرقت در مناطق و محلات مختلف شهر کرمانشاه برده برداشتند. سرهنگ «امیدی» افزود، با راهنمایی متهمان دو مالخر شامل یک طلافروش و یک تعمیرکار وسایل برقی شناسایی و دستگیر شدند. رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه تصریح کرد: ارزش اموال مسروقه بالغ بر ۱۰۰ میلیون ریال است.

باند سه برادر متلاشی شد

گروه حوادث: سه برادر که با تشکیل باندی اقدام به سرقت اوراق خودرو در مشهد می‌کردند، شناسایی و دستگیر شدند. در پی کشف تعدادی خودرو سرقتی، تیم ویژه‌ای از ماموران تجسس وارد عمل شدند و با انجام اقدامات اطلاعاتی و عملیات‌های خاص پلیسی دریافتند سه برادر ۲۳، ۳۱ و ۲۴ساله بعد از سرقت خودروهای مختلف، لوازم آنها را با می‌کنند و به فروش می‌رسانند. بر این اساس ماموران مخفیگاه متهمان را شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی آنها را بازرسی کردند که در بازرسی از محل مقادیر زیادی لوازم و قطعات خودرو و یک دستگاه خودرو پراید سرقتی همراه با قطعات بازشده آن کشف شد و سه برادر سارق دستگیر شدند. متهمان در تحقیقات اولیه به سرقت لوازم خودرو با همدستی فردی دیگر اعتراف کردند و در بازرسی از منزل مهدست‌شان نیز یک دستگاه موتورسیکلت سرقتی به همراه مقداری لوازم خودرو کشف و ضبط شد. بنا بر این گزارش با اعتراف متهمان تاکنون تعداد ۱۴ مالباخته شناسایی شده است.



گروه حوادث: ماجرای

با ضربات چاقو مجروح شده و بعد از انتقال به بیمارستان جان باخته است. شاهدان این حادثه به پلیس گفتند این مرد در حال راه رفتن با همسرش بوده که دو موتورسوار به طرفش رفته و او را با چاقو زده و متواری شده‌اند. اکرم همسر مقتول نیز ابتدا با این ادعا که مهاجمان را نمی‌شناسد، گفت: من با شوهرم به خانه یکی از اقوامم می‌رفتم که در دو موتورسوار آمدند و شوهرم را با ضربات متعدد چاقو زدند. آنها ابتدا یک دعوا راه انداختند و بعد شوهرم را کشتند. من هم بلافاصله با ماشین او را به بیمارستان رساندم. چند ماه بعد از قتل رحیم در حالی که پلیس همچنان تحقیقات خود را در این زمینه ادامه می‌داد به ماموران خبر رسید اکرم با مردی به نام محمد از کشور خارج شده است. یافته‌های پلیس حاکی از این بود که اکرم قبل از مرگ شوهرش با مردی به نام محمد رابطه و اختلاف شدیدی هم با شوهرش داشته است. در جریان تحقیقات فاش شد آنها با طراحی نقشه‌ای رحیم را به تهران کشانده و بعد با همدستی مردی به نام سامان که پسرخاله محمد بود او را به قتل رسانده‌اند. پنج سال بعد از این ماجرا پلیس سامان را در تهران شناسایی کرد و بعد از بازداشت وی اکرم و محمد را نیز از کشور ترکیه به تهران بازگرداند و آنها هم بازداشت شدند. بعد از اینکه هر سه متهم به نقش خود در قتل اعتراف کردند پرونده دیگری برای سامان باز شد.

دبیخ‌زاده ادامه داد: مشخص شد سامان که مباشر قتل رحیم است در پرونده دیگری در اهواز تحت تعقیب بود و در قتل‌ی که بردارش نیز متهم آن است، نقش داشت و در یک دعوی خیابانی جوانی به نام منصور را به قتل رسانده است. زمینه کار به بررسی می‌مورد این پرونده آغاز شد به ماموران تهران خبر دادند احسان برادر سامان هنگام انتقال به بازداشتگاه مقابل اداره آگاهی اهواز مورد حمله چند مهاجم قرار گرفته و با سلاح گرم به قتل رسیده است. بنابراین امکان تحقیق از احسان برای ماموران فراهم نشد و پرونده با قرار عدم صلاحیت از اهواز به تهران فرستاده شد و اکنون من به عنوان نماینده دادستان تهران برای سامان به اتهام مباشر

در قتل عمدی رحیم و مشارکت در قتل عمدی منصور در اهواز تقاضای مجازات با استناد به قانون را دارم. همچنین از دادگاه تقاضا دارم مجازات قانونی را برای دو متهم دیگر پرونده به جرم معاونت در قتل رحیم در نظر بگیرد. در محفل

سه متهم یک پرونده جنایی بعد از هفت سال محاکمه شدند

راز جنایت خیابانی در رابطه پنهانی همسر مقتول نهفته بود



فشار و از ترس، اعتراف خود را انکار کرد و قتل را به گردن من انداخت. بعد هم دو نفر از قبیله منصور برادرم را جلوی در اداره آگاهی زند. برادرم خودش ضارب بود و به خاطر عذاب وجدان هم تسلیم شد.

ایسن متهم در مورد قتل رحیم در تهران گفت: وقتی به

تهران نقل مکان کردم محمد پسر خالهام هم با من آمد. او بعد از مدتی به من گفت با زنی به نام اکرم رابطه دارد و این رابطه خیلی جدی است و می‌خواهد با او ازدواج کند اما چون اکرم شوهر دارد آنها نمی‌توانند با هم زندگی کنند. محمد از من خواست شوهر اکرم را بکشم. من که نمی‌خواستم این کار را بکنم جواب درستی به او نمی‌دادم تا اینکه یک روز با اکرم آمد و آنها هر دو از من خواستند رحیم را بکشم. بیش از ۴۰ روز بود که به من اصرار می‌کردند. اکرم می‌گفت اگر شوهرش را بکشم او می‌تواند با پسرخاله من ازدواج و او را خوشبخت کند. اصرار بیش از حد این دو نفر باعث شد قبول کنم اما نمی‌خواستم رحیم را بکشم. با خود گفتم یک ضربه می‌زنم و او را زخمی می‌کنم و این‌دست از سرم برمی‌دارند. روز حادثه با محمد سوار موتور شدیم و طبق قرار اکرم شوهرش را به محل قرار آورد و من و محمد بعد از یک دعوی صوری رحیم را زدیم اما من فقط یک ضربه وارد کردم و نمی‌دانم ضربات دیگر را چه کسی زده است.

بعد از سامان و وکیل مدافعش اکرم در جایگاه حاضر شد. او که به اتهام معاونت در قتل محاکمه می‌شد، گفت: من و شوهرم رحیم سال‌ها بود که با هم اختلاف داشتیم. رحیم مرد بداخلاقی بود و با هیچ کس رفت و آمد نمی‌کرد و سال‌ها با خانواده‌اش قهر بود و هر بار خانواده من برای مهمانی می‌آمدند با آنها بدرفتاری می‌کرد و من همیشه شرمنده خانواده‌ام بودم. بعد از مدتی هم مجبور شدم قطع رابطه کنم. این موضوع خیلی مرا آزار می‌داد اما چون دو فرزند داشتیم، مجبور بودم تحمل کنم. بچه‌ها که بزرگ شدند من تصمیم گرفتم جدا شوم و تا مرحله دادگاه هم رفتم اما به خاطر آنها تصمیم گرفتم برگردم. پنج سال بود که با شوهرم هیچ رابطه‌ای نداشتم. شوهرم فکر می‌کرد اگر به لحاظ خوراک ما را تامین کند وظیفه خود را انجام داده است و دیگر لازم نیست کاری بکند. او معناد بود و روابطی نداشت که من دوست ندارم حالا محرم کرد.

وی در مورد آشنایی‌اش

با محمد گفت: در ایسن سال‌ها من در یک مغازه کار می‌کردم. خواهران محمد مشتری من بودند و ما رابطه دوستانه‌ای باهم برقرار کردیم که مرز زیر نظر داشت و از من خوشش می‌آمد. دوستی من با خواهرانش باعث ایجاد رابطه بین ما شد و من برای

محمد دردمل می‌کردم. بعد از مدتی وقتی متوجه شدم محمد به من وابستگی پیدا کرده، تصمیم گرفتم رابطه‌ام را قطع کنم اما دو دست‌بردار نبود و مرا ها نمی‌کرد و می‌گفت باید از شوهرت جدا شوی. البته من هم تصمیم گرفتم به این خواسته تن دهم و برای جدایی از شوهرم به خانه مادرم رفتم. مدتی بعد شوهرم تماس گرفت و گفت پسرمان خودکشی کرده است. پسرم بیماری دیابت داشت و انسولین زیادی به خودش تزریق کرده بود. در این‌سال‌ها هم بیماری او بود که مرا از طلاق منصرف کرده بود. من به خاطر پسررم به خانه رحیم برگشتم. البته به او گفتم به محض اینکه سروش ازدواج کند دیگر در ایسن خانه نمی‌مانم. در این مدت که در خانه شوهرم بودم، محمد دست‌بردار نبود و می‌خواست رحیم را بکشد. او ابتدا به من پیشنهاد داد سم در غذایش بریزم، چون سمی پیدا نکردم تصمیم گرفت سلاحی بخرم و به من بدهد تا شوهرم را بکشم. با خود گفتم سلاح را می‌گیرم و جایی مخفی می‌کنم و همه چیز تمام می‌شود. تا اینکه یک روز به من گفت چون پسرخاله‌اش جرمی مرتکب شده و قرار

کرده است برای حمایت از او به تهران آمده است. محمد به من پیشنهاد کرد به پسرخاله‌اش بگویم شوهرم را بکشد. من این کار را نکردم اما او خیلی سمج بود. من یک بار به خانه سامان رفتم و گفتم اگر شوهر مرا بکشد و پلیس از من سوال کند اعتراف می‌کنم. حتی گفتم چون من با شوهرم اختلاف دارم انگشت اتهام به سمت من گرفته می‌شود، بهتر است این کار را نکنی.

محمد به سامان وعده ۱۰ میلیون پول داده بود اما من گفتم پولی ندارم بدهم و محمد هم پولی ندارد. با این حرف‌ها سعی کردم سامان را منصرف کنم اما بعد از مدتی فهمیدم محمد و سامان نقشه خود را کشیده‌اند و آن روز هم من را تعقیب کردند و شوهرم را زدند. من هم از ترس به پلیس چیزی نگفتم. بعد با محمد ازدواج کردم و به ترکیه رفتم. بعد از او یک فرزند دارم اما سه ماه است که اختلاف پیدا کرده‌ام و من تنها زندگی می‌کنم. در ادامه محمد نیز در برابر اتهام معاونت در قتل از خود دفاع کرد و سپس هیات قضات شعبه ۷۱ برای صدور رای وارد شور شدند و متهم ردیف اول را به قصاص و متهم‌های ردیف دوم و سوم را هر کدام به ۱۰ سال حبس محکوم کردند.

عروس فراری به چونه دار نزدیک شد

حکم قصاص زن جوانی که شوهرش را به قتل رسانده بود، در دیوان عالی کشور تایید شد. به گزارش فارس، روز ۲۲ فروردین سال گذشته ماموران پلیس شهرستان ورمان از وقوع یک فقره درگیری منجر به قتل در یکی از خیابان‌های اصلی این شهرستان باخبر و با حضور در محل حادثه متوجه شدند مرد جوانی به نام قاسم بر اثر اصابت یک ضربه چاقو به سینه‌اش به قتل رسیده است. شاهدان حادثه همسر مقتول را به عنوان ضارب معرفی کردند. به این ترتیب تحقیقات برای شناسایی همسر مقتول به نام سحر آغاز شد و وی ۱۵ سال قبل از قتل خود را به پلیس آگاهی معرفی کرد. بعد از اعتراف به قتل توسط متهم، قرار مجرمیت وی صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده اولیای مد مقتول با اعلام شکایت از متهم، درخواست خود را قصاص عروس‌شان عنوان کردند. سپس سحر به دفاع از خودش پرداخت و گفت: سه روز قبل از قتل، من و همسررم برای مطالبه مهریه از سوی من، به شورای حل اختلاف رفته بودیم. بعد از جلسه دادگاه، شوهرم به من حمله کرد و مرا کتک زد. وی ادامه داد: به خاطر بیکاری شوهرم درخواست طلاق داده بودم و برای تشکیل پرونده نیاز به کیی شناسنامه شوهرم داشتم. روز حادثه با او تماس گرفتم و وی به من گفت به قهوه‌خانه بیا. به قهوه‌خانه رسیدیم و از مردی که مقابل در بودم، خواستم شوهرم را صدا کند. شوهرم مقابل در قهوه‌خانه آمد و به محض اینکه مرا دید شروع به فحاشی کرد و با چاقویی که همیشه همراهش بود، من را تهدید کرد و دو سیلی به من زد. من هم چاقویی را که همیشه با خود حمل می‌کردم از جیبم درآوردم و یک ضربه به سینه او زدم و فرار کردم. سحر گفت: بعد از اینکه از قتل شوهرم باخبر شدم، به همدان گریختم اما ۱۵ روز بعد به خاطر عذاب وجدان مجبور شدم خودم را معرفی کنم. قضات پس از پایان محاکمه، به من قصاص محکوم کردند و در ادامه پرونده به شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور ارجاع داده شد و دیروز قضات این شعبه بعد از بررسی پرونده، حکم دادگاه بدوی را تایید کردند.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۱۷

حادثه‌ها

متهم جنایت در میدان کاج امروز محاکمه می‌شود

گروه حوادث: متهم جنایت در میدان کاج صبح امروز در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود. در حالی که رسیدن پرونده‌های جنایی به دادگاه حدود یک سال زمان می‌برد، متهم این جنایت به دستور رئیس قوه قضائیه به صورت ویژه محاکمه خواهد شد. این فرد ساعت ۱۱ روز پنجشنبه شبان آثم مرد ۳۰ساله‌ای را در برابر چشمان مردم به قتل رساند و سپس خودش را تسلیم کرد. او امروز در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی عزیزمحمدی از خودش دفاع خواهد کرد.

برادر کشی به خاطر ۴۰۰ هزار تومان

گروه حوادث: مردی که در جریان یک نزاع برادرش را به قتل رسانده است به اتهامش اقرار کرد. به گزارش خبرنگار ما زمانی که ماموران کلانتری لشکرک از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در جریان خبر «درگیری منجر به قتل» در منطقه لواسان قرار گرفتند به محل حادثه رفتند و فهمیدند دو برادر به اسامی «مسعود» و «سعید» با یکدیگر درگیر شده‌اند که در این درگیری مسعود ۲۳ساله بر اثر اصابت چاقو به ناحیه سینه، به قتل رسیده است. به این ترتیب سعید که یک سال از مقتول کوچکتر بود دستگیر شد و بعد از انتقال به پلیس آگاهی، در اعتراضات طولت و انگیزه این جنایت خانوادگی را اختلاف مالی ۴۰۰ هزار تومانی با برادرش عنوان کرد. تحقیقات کارآگاهان نشان داد «سعید» و «مسعود»، در شب قبل از حادثه نیز با یکدیگر درگیر شده ولی با میانجیگری پدر خانواده، درگیری آنها خاتمه پیدا کرده بود تا اینکه آنها مجدداً صبح روز چهارشنبه هفته گذشته درگیری لفظی پیدا کردند و سعید با یک قبضه چاقو برادرش را تهدید کرد که همین موضوع باعث تشدید درگیری میان او دو شد و سعید در حالی که کنترل خود را از دست داده بود، ضربه‌ای را با چاقو به سینه برادرش وارد کرد. سرهنگ عباسعلی محمدحسین رئیس پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: با توجه به تحقیقات انجام‌شده و اعترافات صریح متهم در خصوص قتل برادرش، پرونده در اختیار مقام قضایی قرار گرفته است.

زورگیری از دانش‌آموزان

گروه حوادث: مرد سارقی که از دانش‌آموزان زورگیری می‌کرد توسط پلیس شهریار شناسایی و دستگیر شد. اواخر هفته گذشته سه تن از دانش‌آموزان هنرستانی در روستای امیرآباد صفادشت توسط سارقی مورد زورگیری قرار گرفتند و از آنان سه دستگاه گوشی تلفن همراه و مبلغ ۹۰ هزار ریال به سرقت رفت. با مراجعه دانش‌آموزان مالباخته به کلانتری ۲۵ صفادشت و اعلام این خبر، تحقیقات پلیس برای دستگیری سارق زورگیر آغاز شد. پلیس به کمک دانش‌آموزان مالباخته، مشخصاتی را از سارق متواری به دست آورد تا اینکه ماموران پس از شناسایی محل زندگی سارق در ملارد، در یک اقدام ضربتی، با هماهنگی مقام قضایی این متهم ۲۲ساله را به نام «سعیدز» دستگیری و برای تحقیقات بیشتر به کلانتری منتقل کردند. در جریان تحقیقات مشخص شد این سارق فردی سابقه‌دار است. او در بازجویی‌ها اعتراف کرد با توجه به اینکه مسیر تردد دانش‌آموزان از مدرسه به روستا، مسیر خلوتی است با استفاده از یک قبضه چاقو اقدام به زورگیری به دانش‌آموز کرد. پلیس با توجه به وقوع این جرم به دانش‌آموزان توصیه کرد تا حد امکان از مسیرهای خلوت و پرت تردد ن‌کنند و سعی کنند از وسایل نقلیه عمومی برای حمل و نقل و جابه‌جایی خود استفاده کنند.

عروس فراری به چونه دار نزدیک شد

حکم قصاص زن جوانی که شوهرش را به قتل رسانده بود، در دیوان عالی کشور تایید شد. به گزارش فارس، روز ۲۲ فروردین سال گذشته ماموران پلیس شهرستان ورمان از وقوع یک فقره درگیری منجر به قتل در یکی از خیابان‌های اصلی این شهرستان باخبر و با حضور در محل حادثه متوجه شدند مرد جوانی به نام قاسم بر اثر اصابت یک ضربه چاقو به سینه‌اش به قتل رسیده است. شاهدان حادثه همسر مقتول را به عنوان ضارب معرفی کردند. به این ترتیب تحقیقات برای شناسایی همسر مقتول به نام سحر آغاز شد و وی ۱۵ سال قبل از قتل خود را به پلیس آگاهی معرفی کرد. بعد از اعتراف به قتل توسط متهم، قرار مجرمیت وی صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده اولیای مد مقتول با اعلام شکایت از متهم، درخواست خود را قصاص عروس‌شان عنوان کردند. سپس سحر به دفاع از خودش پرداخت و گفت: سه روز قبل از قتل، من و همسررم برای مطالبه مهریه از سوی من، به شورای حل اختلاف رفته بودیم. بعد از جلسه دادگاه، شوهرم به من حمله کرد و مرا کتک زد. وی ادامه داد: به خاطر بیکاری شوهرم درخواست طلاق داده بودم و برای تشکیل پرونده نیاز به کیی شناسنامه شوهرم داشتم. روز حادثه با او تماس گرفتم و وی به من گفت به قهوه‌خانه بیا. به قهوه‌خانه رسیدیم و از مردی که مقابل در بودم، خواستم شوهرم را صدا کند. شوهرم مقابل در قهوه‌خانه آمد و به محض اینکه مرا دید شروع به فحاشی کرد و با چاقویی که همیشه همراهش بود، من را تهدید کرد و دو سیلی به من زد. من هم چاقویی را که همیشه با خود حمل می‌کردم از جیبم درآوردم و یک ضربه به سینه او زدم و فرار کردم. سحر گفت: بعد از اینکه از قتل شوهرم باخبر شدم، به همدان گریختم اما ۱۵ روز بعد به خاطر عذاب وجدان مجبور شدم خودم را معرفی کنم. قضات پس از پایان محاکمه، به من قصاص محکوم کردند و در ادامه پرونده به شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور ارجاع داده شد و دیروز قضات این شعبه بعد از بررسی پرونده، حکم دادگاه بدوی را تایید کردند.

توضیح و پوزش

در صفحه ۱۵ ضمیمه روز شنبه روزنامه دو مطلب با عناوین «هنگامی که کودکی تا قتل‌های سریالی» و «شاید آنها ندهد می‌ماندند» منتشر شده که به خاطر اشتباه سهوی نام نویسندگان از قلم افتاده بود. به این وسیله ضمن عذرخواهی، متذکر می‌شوم مطلب نخست تحلیل دکتر مجید ابهری- «رفتارشناس» و مطلب دوم یادداشتی از دکتر محمدرضا رحمت- جرم‌شناس- درباره قتل‌های سریالی آباد بود.

اجیر کردن اسیدپاش برای انتقامجویی خانوادگی



کمک‌های مرا قبول کنند خودم را کنار کشیدم اما علی این‌طور از من انتقام گرفت و من تقاضای مجازات هر دو متهم را دارم.

سپس محمد متهم پرونده در جایگاه حاضر شد. وی گفت: یک سال پیش این اتفاق افتاد. من با علی آشنا شدم و او گفت اگر کاری که می‌خواهد برایش انجام

گروه حوادث: پسر جوانی که برای انتقام‌گیری خانوادگی و اسیدپاشی اجیر شده بود روز گذشته محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، این مرد که محمد نام دارد یک سال پیش در قبال دریافت ۵۰۰ هزار تومان، مقدار زیادی اسید را به صورت مردی پاشید و او را نابینا کرد. در ابتدای جلسه محاکمه که در شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد روشن نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و در توضیح کیفرخواست گفت: متهم یک سال پیش از سوی مردی به نام علی اجیر شد تا در قبال دریافت پول چشمان شاکي را از او بگیرد. وی گفت: متهم یک بار پیش از این در شعبه ۷۹ محاکمه و به پرداخت دیه و ۱۵ سال حبس محکوم شده بود و قضات علت صدور این حکم را عدم امکان اجرای قصاص دانسته بودند اما از آنجایی که شاکي تقاضای قصاص متهم را کرده است دیوان عالی کشور حکم را نقض کرد. سپس شاکي در جایگاه حاضر شد و گفت: روز حادثه من بعد از خروج از محل کار با این مرد مواجه شدم. او اسید را روی صورت من پاشید و فرار کرد. من او را نمی‌شناختم و خصومتی با هم نداشتم. نمی‌دانم چرا این کار را کرد.

وی ادامه داد: علی- فردی که متهم به اجیر کرده بود- با من اختلاف داشت با اینکه من سعی می‌کردم

انتقام‌گیری خواستگار سمج از دختر خاله‌اش در اینترنت

تجسس‌ها در این باره ادامه یافت تا اینکه چند روز بعد دختر جوان بار دیگر نزد ماموران پلیس آگاهی رفت و اطلاعات تازه‌تری در اختیار آنان گذاشت. وی گفت روز گذشته کیشی را در نزدیکی خانه‌شان پیدا کرده است. او گفت مدارک و گوشی تلفن همراهش داخل کیشی است و جوان سارق فقط مبلغ کمی پول نقد از او درزیده است. به این ترتیب بدون آنکه جوان کیف‌قاپ دستگیر شود رسیدگی به این پرونده از دستور کار پلیس خارج شد اما وقتی چند روز بعد دختر جوان برای سومین مرتبه نزد پلیس رفت اظهارات جدید او باعث شد پرونده دوباره به جریان بیفتد. در این تازه‌ترین اظهاراتش گفت: چند روز قبل از طریق دوستانتانم فهمیدم در شبکه اینترنت سایتی به نام من راه‌اندازی شده و در آن عکس‌های خصوصی همراه با آدرس منزل، شماره تلفن همراه و اطلاعات خصوصی‌ام منتشر شده است. ابتدا حرف‌های دوستم را باور نکردم اما وقتی این سایت را کنترل کردم فهمیدم حرف‌های دوستم واقعیت دارد. در این سایت

تجسس‌های کذبی به من داده شده و آبرویم به بازی گرفته شده بود. نمی‌دانستم باید چه کار کنم اما اولین راهی که به ذهنم رسید کمک گرفتن از پلیس بود. به دنبال اظهارات ایسن دختر کارآگاهان پایگاه یکم تحقیقات در مورد این پرونده را از سر گرفتند. در این مرحله دختر جوان به کارآگاهان گفت: تمام عکس‌هایی که از من منتشر شده عکس‌هایی است که در گوشی تلفن همراهم بود. این کار قطعاً توسط سارق کیفم انجام شده است. هنگامی که ماموران از دختر چون خواستند چند نفر را به عنوان مظنون معرفی کنند، او پسرخاله‌اش علیرضا را معرفی کرد و گفت چندی قبل علیرضا به خواستگاری‌اش رفته و او به درخواستش پاسخ منفی داده است. وی در این باره گفت: وقتی پسرخالهام از من خواستگاری کرد به خاطر شناختی که از او داشتم، به او پاسخ منفی دادم اما فکر نمی‌کردم وی از من کینه به دل بگیرد.

در پی این اظهارات گروهی از ماموران با راهنمایی دختر